

وارثان اسب

آنری ورنوی

♦ ترجمہ سیف الہ گلکار ♦



ورنوی، آنری
 وارتان اسپ / آنری ورنوی؛ ترجمه سیف‌الله گلکار. تهران: نشر ثالث،
 ۱۳۸۴.

ISBN 964-380-113-6

شایک ۶-۱۱۳-۳۸۵-۹۶۴

ISBN: 9789643801137

ای.ای.ان ۱۱۳۷-۹۷۸۹۶۴۳۸

۱. داستانهای فرانسوی - قرن ۲۰ - ترجمه شده به فارسی. الف. گلکار،

سيف الله، مترجم، ب. عنوان.

APW / 91E

PQ26FV/ ,AD,2



تشر ثالث

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۶۶ / طبقه دوم / تلفن: ۸۸۲۹۰۵۱-۲

فرشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ابرانشهر و جاشهر / پ ۱۶۰ / تلفن: ۸۳۲۵۲۷۶-۷

دفتر توزیع: خیابان انقلاب / خیابان ۱۲ فروردین / شماره ۱۱ / تلفن: ۶۶۱۰۱۴۶-تکس: ۹۹۶-۶۹۵

وارثان اسی

آئی وی ورنوی

ترجمہ سیف اللہ گلکار

ناشر: نشر ثالث

طرح روی جلد: سعید زاشکانی

حروف نگاران: سحر جعفریہ - آرزو رحمانی

بیاب اول: ۱۳۸۴ / ۲۲۰۰ نسخه

لئوگرافى: شاد - چاپ: رهنما - صحافى: كيميا

کلیہ حقوقی جواب محفوظ و متعلق بہ نشر ثالث است

ISBN 964-380-113-6

شاک ۹۶۴-۳۸۰-۱۱۳-۹

ISBN 9789643801137

۹۷۸۹۶۴۳۸۰۱۱۳۷ ان.سی.ای

سایت اینترنتی: WWW.Salesspub.com

تست الکترونیک: Info@Salesspub.com

فهرست

۷	نقل قولی گریزناپذیر
۹	بخش نخست
	بیزاری از میراث
۱۱۹	بخش دوم
	سقوط
۱۴۳	بخش سوم
	رسیدن به مقامی بالاتر
۱۷۷	بخش چهارم
	دوست‌داشتنی بی‌حاصل

نقل قولی گریزناپذیر

این برگه‌ی سپید که بخشی از زندگی آدمی پر آوازه را در بر دارد، همواره با اندوه همراه است.

در آغاز کتاب، این خط‌های کوتاه به هم فشرده، میان آرواره‌ی گیومه‌ها، در بستر آن‌چه در پی می‌آورد، آدم را به فضایی دوستانه می‌برد.

نقل قول، به پیش‌درآمدی نمادین تبدیل می‌شود و امضاکنندی نامدارش، به گونه‌ی مقدمه‌نویسی کوچک و ناآگاه درمی‌آید.

با خود پیمان بسته بودم به اغواگری این سپر ادبی گوش نسپرم که آسیب‌پذیری‌های ما را ننگه می‌دارد و خودخواهی‌های ما را برمی‌انگیزد. نه! من در کار جستجو و پژوهش درباره‌ی یک آدم سایه‌ی پرآوازه، شریک جرم نخواهم شد تا او را تأیید کنم.

از این رو از شک و تردید نقل‌کننده‌ی گوشه‌گیر، چیزهایی برگزیده بودم که از روی تصادف، با خواندن یک متن، به ارمغانی شگرف و عجیب برخوردارم که یک نویسنده می‌تواند برای آیندگان فراهم آورد.

مرد، با نامی افسانه‌ای، ادیب‌پیشه و فیلسوف که در آغاز قرن ما زاده شده به ما اجازه می‌دهد که چگونگی اندیشه‌های او را بازگو کنیم و از ما

می خواهد که نام او را فاش نکنیم.

من آن را از حافظه‌ی خود، نقل می‌کنم:

«آدمی گفته است - چندان مهم نیست که گوینده چه کسی باشد. او سخنش را در پرده‌ی رمز و معما نگفته، بلکه برای همه‌ی مردم گیتی گفته است - ... پس، آدمی گفته است: در دارایی و ثروت، بیشترین شادی، بهره‌ی کسی است که کمترین نیاز را به آن دارد. کسی که به دارایی‌ها نیازمند است برای آن‌ها، در هراس است. اشتغال به گرد آوردن سرمایه، آدمی را از سروری به کارپردازی می‌اندازد... به این گونه، گفت‌وگو در این جا، از ثروت و زر خواهد بود.»

«از زر بسیار برای نیازمندی‌ها

از زر برای بسنده بودن

از زر برای بیهوده بودن

از زر که زر می‌سازد

از زر که به کاری نمی‌آید

از زر که سرکش است و تباهی می‌آورد...»

و این را خانم تاکوهی، نزدیک به صدسال پیش، در فال قهوه دیده بود و در پایان این داستان، آن را خواهد گفت.